



بولرون

(رویکرد ادبیات عامیانه «شعر و داستان» کهگیلویه و

بویراحمد به بلوط)

نویسنده:

دکتر زینب مصدق



- سرشناسه : مصدق، زینب، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور : بولرون: رویکرد ادبیات عامیانه « شعر و داستان » کهگیلویه و بویراحمد
به بلوط/ نویسنده زینب مصدق.
مشخصات نشر : تهران: اساتید دانشگاه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۸۲ص: مصور(رنگی): ۱۲/۵×۲۱/۵سم.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۱۳-۰۱-۹
وضعیت فهرست : فیبا
نویسی :
عنوان دیگر : رویکرد ادبیات عامیانه « شعر و داستان » کهگیلویه و بویراحمد به بلوط
موضوع : ادبیات عامه ایرانی -- کهگیلویه و بویراحمد
Kohgiluyeh va Boyr Ahmad Folk literature, Iranian--
فرهنگ عامه -- ایران -- کهگیلویه و بویراحمد
Folklore -- Iran -- Kohgiluyeh va Boyr Ahmad
بلوط Oak
موضوع : کهگیلویه و بویراحمد -- آداب و رسوم زندگی اجتماعی
Kohgiluyeh va Boyr Ahmad (Iran: Province) -- Social life and customs
رده بندی کنگره : GR۲۹۱۰
رده بندی دیویی : ۳۹۸/۲۰۹۵۵۶۲۳
شماره : ۸۵۱۲۰۹
کتابشناسی ملی :
اطلاعات رکورد : فیبا
کتابشناسی :

بولرون (رویکرد ادبیات عامیانه «شعر و داستان» کهگیلویه و بویراحمد به بلوط)



نویسنده: دکتر زینب مصدق
ویراستار: حسن عبادتی پور
طراح جلد: احمد عبادتی پور
ناشر: انتشارات اساتید دانشگاه
سال چاپ: تابستان ۱۴۰۰
نوبت چاپ : اول
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۷۵۵۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۱۳-۰۱-۹

تلفن انتشارات: ۰۹۱۲۴۳۴۲۷۴۱ همراه ۰۲۱-۶۶۴۰۱۸۷۸-۶۶۴۰۵۰۷۳

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۶
سبب نام کتاب	۱۰
مباحثات نظری	۱۲
سیمای جنگلی استان کهگیلویه و بویراحمد	۱۴
بلوط درختی اساطیری و مقدس	۱۵
قداست درخت بلوط نزد قوم لر	۱۷
آرژس، جینگه و کارکردهای بلوط در میان قوم لر (با تکیه بر منتقدی کهگیلویه و بویراحمد)	۲۰
انواع نان بلوط (کنگ) رایج میان مردم کهگیلویه و بویراحمد	۲۱
تکو	۲۱
کنکی	۲۲
لانی	۲۲
نان نازنجی	۲۳
تناسب گنگ با مواد غذایی دیگر	۲۳
الف: از جنبه‌ی تغذیه	۲۵
ب: از جنبه‌ی معیشتی (چوب بلوط)	۲۶
نیره (برزد) یا حوشا	۲۶
مده	۲۹
جفت	۳۳
حیک یا مَسک (کول)	۳۳
رویکرد ادبیات پارسی (کلاسیک) به بلوط	۳۵
رویکرد ادبیات عامیانه (شعر و داستان) کهگیلویه و بویراحمد به بلوط	۳۸
متن عامیانه‌ی شعر	۴۱
افسانه‌های مربوط به بلوط	۴۲

۴۲	حسن بنی (بلوط) مجین
۴۳	مناظره گندم و کنگ
۴۴	روایت دوم
۴۵	روایت سوم
۴۵	در وصف بلوط
۴۷	شعرویه‌ی چیدن بلوط
۴۷	روایت نخست
۴۷	روایت دوم
۴۸	مناظره‌ی بنوط و بنوط‌چین (روایت عامیانه)
۵۰	ادبیات شفاهی (نظم) در تنوع غذایی
۵۰	بحث واژه‌شناسی در ادبیات عامیانه (آواها و نواهای) مربوط به بلوط
۵۱	گُمب
۵۱	سبالون
۵۲	تَت (عمو)
۵۶	سبیتی
۵۶	سُجری و سُجری
۵۶	لَت
۵۶	رُکَل (کَل)
۵۷	جَلد
۵۷	رُنجک
۵۸	چینان
۵۸	هور (حور):
۵۹	جُفل: سفرهی نان
۵۹	بنداری
۵۹	گُرس
۵۹	ویر

مقدمه

بلوط، شاه‌رگ حیات و خمیرمایه‌ی زندگی ساکنان زاگرس به‌ویژه مردم کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی است. از دیرباز تاکنون هیچ ماده‌ی غذایی حتی گندم نتوانسته است جایگزین مناسبی برای این میوه‌ی زندگی‌بخش در میان ابلات و قبایل لر باشد. تأثیری که نان بلوط بر تغذیه و رشد مردم کهگیلویه و بویراحمد داشته و دارد بر کسی پوشیده نیست اما شاید کمتر کسی بداند چرا تا این حد، این ماده‌ی غذایی مین این مردم طرفدار دارد به‌گونه‌ای که اگر بهترین و کامل‌ترین غذاها را پیش روی آنان بگذارند، ترجیح می‌دهند نان بلوط را انتخاب کرده و یا در کنار تناول آن، از غذایی دیگر بهره ببرند.

این اشتیاق وصف‌ناپذیر نمک‌ها در میان کهن‌سالان و سالخوردگان کهگیلویه و بویراحمدی رواج دارد بلکه دیگر نسل‌های سنی نیز تمایل زیادی بدان نشان می‌دهند. نان بلوط از نظر آنان یکی از پر‌قوت‌ترین و مغذی‌ترین ماده‌های غذایی به شمار می‌رود که به‌زعم آنان برای کنترل فشارخون، جربی خون، بالا بردن قوای جسمانی، از بین بردن ضعف معده و انرژی‌زایی بی‌حدوحصر مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنان نان بلوط را به‌عنوان قوت غالب و غذای اصلی در کنار ماست، دوغ، کله‌پاچه، گوشت و دیگر مواد غذایی استفاده می‌کنند.

اگر بخواهیم از جنبه‌ی تاریخی به قدمت بهره‌مندی این مردم از بلوط و فرآورده‌های آن نگاه کنیم، گفته می‌شود این ماده‌ی ارزشمند غذایی از کهن‌ترین دوران یا شاید از زمان رویش این درخت تاکنون بر سفره‌های سده اما باصفای لرها وجود داشته است.

قدمت بلوط و نان بلوط به درازای قدمت رشته‌کوه زاگرس است. مردم کهگیلویه و بویراحمد به‌عنوان بخشی از ساکنان زاگرس به دلایل سیاسی،

اقتصادی و حتی اجتماعی از گذشته‌های دور تاکنون ملجأ و مکن امنی جز دامنه‌های سر به فلک کشیده‌ی زاگرس نداشته‌اند. ریشه‌ی آنان پیوندی عمیق با این رشته‌کوه و قله‌ی مرتفع آن (دنا) دارد. مردمی به‌دور از دنیای مدرنیته و ثرات مخرب یا سازنده‌ی آن. شاید مخاطب در نگاه نخست این‌گونه گمان کند تصویر ثبت‌شده مربوط به دورانی بسیار دور و یا روزگاران پیشتر باشد اما واقعیت امر این است که آنچه به‌عنوان پیوند جدایی‌ناپذیر مردم کهنگیلویه و بویراحمد با نان بلوط ارائه می‌گردد مربوط به گذشته‌های دور تا کنون است و تصویر گویای بخش بسیار کوچکی از زوایای زندگی سخت و طاقت‌فرسای آنان است.

زندگی سخت اما موشمار از امید و برکت و بالندگی آنان هیچ‌گاه فرزندان خود را از دیدن واقعیت‌های زندگی‌شان منع نمی‌کنند تا آیندگان‌شان نیز بدانند که چگونه در میان تلاطم زندگی سخت و رنج‌دوران، در میان دود و آتش و نان، در میان سوختن‌های مکرر و آبی که از چشم‌شان فرومی‌ریزد، قوت خود را فراهم می‌کنند و دم نمی‌زنند. شاید گمان شود این مردم چیزی از دنیای جدید نمی‌دانند اما باید بدانند این‌ها به درک درستی از زندگی رسیده‌اند. به ساده زیستن و خندیدن! آنان خوب می‌دانند اما خودشان را درگیر های و هوی زندگی نکردند و به کمال رسیدن را در نادیده گرفتن دیده‌اند و بس.

نکته‌ی قابل‌عرض این‌که بلوط و فراورده‌های آن نه‌تنها در سبک زندگی و شیوه‌ی معیشت مردم کهنگیلویه و بویراحمد تأثیر به‌سزایی داشته است، بلکه پیوند عمیقی بآزاد، جان، اندیشه و خیال‌پردازی‌های شاعرانه‌ی آنان خورده است. پیوندی چنان دیرینه که تاکنون بر قوت خود باقی است.

زنان و مردان کهنگیلویه و بویراحمدی، وقتی سله‌های خود را برمی‌دارند تا برای چیدن و جمع‌آوری میوه‌ی بلوط راهی دامنه‌ها و ارتفاعات شوند، بی‌هدف و

منفعل عمل نمی‌کنند. آنان آواز خوانی و زمزمه‌های عاشقانه‌ای در وصف بلوط و عشق بدان در تداوم زندگی‌شان سر می‌دهند تا جایی که انعکاس صداها پیشان سکوت کوهستان را در هم می‌سکند. گاهی وقت‌ها زنان سرود سر می‌دهند و گاهی مردها پاسخ‌های عاشقانه می‌دهند و تنها مخاطب آنان یعنی کوده‌ی سر به فنک کشیده، در برابر این نغمه‌سرایی‌ها و شگفت‌گویی‌ها سکوت اختیار می‌کند گویی شکوه و عظمت دل‌های آنان را بسی برتر و استوارتر از خود می‌دانند.

آواها و نواها هم‌چنین اشعار و ابیات گاه‌آ خالی از احساس شاعرانه به معنای واقعی کلمه، با جسم و روح این مردمان چه بازی‌ها که نکرده است! اگر غیر از این بود، نمی‌توانست از گذشته‌های دور تاکنون سینه‌به‌سینه ادامه داشت باشد. از مرحله‌ی گرد آمدن دور هم که خود نشان‌دهندگی ایمان حقیقی آن‌ها به زندگی اجتماعی و دوری گرفتن از انزوا بوده تا مرحله‌ی راهی کوه و دامنه شدن که نشان از پویایی، تحرک و دوری گرفتن از بیکاری و سست‌عنصری آنان بوده تا مرحله‌ی بالا رفتن از ارتفاعات و دامنه‌ها که خود نشان‌دهندگی عبور از مراحل سخت زندگی و رسیدن به آرامش ابدی خواهد بود، تا مرحله‌ی تکاندن که نشان‌دهندگی سخت‌کوشی و به تبع آن پیراسته شدن از گداه می‌باشد تا مرحله‌ی جمع‌آوری و پر کردن سله‌ها که نشان‌دهندگی نتیجه‌بخش بودن و به ثمر نشستن یک سال زحمت و رنج دائمی آنان بوده حتی در مرحله‌ی بازگشت به خانه، همه و همه با احساس شادی و شغف و شور و هیجان و شعر و نظم در توصیف تمام عملکردی که گذشت، توأم بوده است. به همین آسانی!

امروزه شاهد آن هستیم که رسانه‌های جمعی به‌طورکلی و بسیاری از فعالان اجتماعی، هرینه‌های هنگفتی را صرف عبور از مراحل سخت بحران افسردگی و

دل‌زدگی و بی‌میلی نسبت به زندگی می‌کنند، چیزی که مردمان در گذشته بدون هیچ خرج و مخارجی به راحتی در ارتباط و پیوند با طبیعت به دست می‌آوردند. در آن روزگاران تاکنون به‌ویژه در مناطق زاگرس نشین به‌وضوح می‌بینیم که در میان کهن‌سالان و سالخوردگان هیچ خبری از احساس غم و اندوه و اضطراب و پریشان حالی وجود ندارد. تنها چیزی که برای این‌ها مهم است کار است و تلاش است و کسب روزی حلال حتی با وجود کارهای سخت و طاقت‌فرسا؛ بنابراین برای الگو‌گیری و سرمشق قرار دادن، هیچ امکانی امن‌تر از بناد بردن به طبیعت و رویارویی با سالخوردگان و درک و دریافت سبک زندگی آنان وجود ندارد. حتی در زمینه فرهنگ عامیانه و توسل به اشعار و ادبیات شفاهی آنان، در این نوع نگرش شاهد آن خواهیم بود که تمام نگفته‌ها طی روزگاران بسیار دور تاکنون در همین نغمه‌ها و سروده‌ها نهفته است. این گفته‌ها یا سروده‌های شفاهی به‌ویژه درباره‌ی بلوط و یا اشعار صید و شکر خود بدتشافی دایره المعارفی بسیار ارزشمند در شناخت دقیق زندگی درست و رادهای ورود به این شیوه امرارمعاش خواهد بود.

همه چیز ساده‌ی ساده به نظر می‌رسد اما مانند اقیانوسی گراهِ ناپیدا، همدی نعمت‌های معنوی و روحانی در پهنه‌ی گسترده‌ی آن، به‌روشنی هویدا می‌باشد. تنها چیزی که لازم است توجه و اقبال ویژه به این نوع گرایش به ادبیات و توجه به سبک خوانش و حتی روایت آن می‌باشد. شیوه‌ی نگرشی مطمئن همراه با جاشنی احساس و امید و بهروزی. هرچه هست عشق است و مهرورزی و راستی و درستی. در میان همین اشعار ظاهراً خالی از احساس، چه پسران و دخترانی که شیفته و دل‌داده‌ی هم نشدند و چه عشق‌ورزی‌ها و غزل‌سرایی‌ها که صورت نگرفت. آن‌جا که در بحبوحه‌ی چیدن و تکاندن میوه‌ی بلوط پسری از دور بنگ برمی‌داشت و این‌گونه نغمه‌سرایی می‌کرد: